

سنجش نگرش زنان شهر یزد درباره‌ی آپارتمان‌نشینی

اکبر زارع شاه‌آبادی^۱، رحمت اله ترکان^۲، آریز خدادادی^۳

چکیده

آپارتمان‌نشینی مانند بسیاری از دیگر مظاهر شهرنشینی، بیش از آنکه از دل جامعه‌ی ما جوشیده باشد از غرب اقتباس شده است. گسترش روزافزون این پدیده می‌تواند پیامدهای مثبت و منفی زیادی به همراه داشته باشد. در جامعه‌ی ما چون زنان معمولاً کمتر از مردان شاغلند و بیشتر در محیط خانه و آپارتمان هستند، بنابراین تجربه‌ی زندگی در این محیط‌ها باعث شکل‌گیری نگرش خاصی نسبت به آپارتمان‌نشینی در ذهن آنها می‌گردد. از آنجا که نگرش‌ها می‌توانند روی رفتار، سلامت روانی و ذهنی افراد، روابط اجتماعی، استحکام خانواده و دیگر ابعاد زندگی تأثیرگذار باشند، بنابراین با توجه به این تأثیرات بررسی نگرش نسبت به آپارتمان‌نشینی دارای اهمیت است. روش این تحقیق پیمایشی است؛ داده‌ها با ابزار پرسشنامه و با استفاده از شیوه نمونه‌گیری دومرحله‌ای که در مرحله اول خوشه‌ای و در مرحله دوم در داخل خوشه‌های انتخابی به روش سیماتیک زنان انتخاب و مورد مصاحبه قرار گرفتند از ۳۸۴ نفر از زنان متأهل شهر یزد گردآوری شده است. یافته‌های تحقیق بیانگر آنست که میانگین نگرش زنان شهر یزد نسبت به

۱. دانشیار جامعه‌شناسی دانشکده‌ی علوم اجتماعی، دانشگاه یزد.

a_zare@yazd.ac.ir

۲. کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، مدرس دانشگاه پیام نور یزد.

rahmatollahtorkan@yahoo.com

۳. کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه پیام نور هرنند.

Khodadadi460@yahoo.com

آپارتمان‌نشینی، از حد متوسط پایین‌تر است. وزنان آپارتمان‌نشین در مقایسه با زنان ویلایی‌نشین، نگرش مثبت‌تری نسبت به آپارتمان‌نشینی دارند. همچنین، زنان غیر بومی در مقایسه با زنان بومی، نگرش مثبت‌تری نسبت به آپارتمان‌نشینی دارند. و این تفاوت‌ها از نظر آماری معنادار است. و زنان شاغل نیز در مقایسه با زنان غیر شاغل نگرش مثبت‌تری نسبت به آپارتمان‌نشینی دارند اما این تفاوت از نظر آماری معنادار نیست. از سویی دیگر، بین متغیرهای سن و بعد خانوار و نگرش نسبت به آپارتمان‌نشینی رابطه معکوس و معناداری وجود دارد. در حالیکه بین پایگاه اقتصادی- اجتماعی و نگرش نسبت به آپارتمان‌نشینی رابطه معناداری وجود ندارد.

کلید واژگان: آپارتمان‌نشینی، شهرنشینی، زنان، نگرش، ویلان‌نشینی

مقدمه و طرح مسأله

افزایش سریع جمعیت شهرنشین و گسترش افقی شهرها در مناطق پیرامون، بسیاری از جوامع را بر آن داشته که توجه به مسکن را به عنوان یکی از اولویت‌های مهم برنامه‌های توسعه‌ی خود قرار دهند. به دنبال این پدیده، بلندمرتبه‌سازی و آپارتمان‌نشینی نیز تقریباً بعد از انقلاب صنعتی که افزایش شتابان جمعیت شهری را به دنبال داشت، مطرح گردید (ابراهیم زاده و سرگزی، ۱۳۸۹: ۴).

آپارتمان‌نشینی در دهه‌ی سوم و چهارم قرن بیستم و به دنبال جنگ اول و دوم جهانی که ویرانی‌های زیادی را در پی داشت، در اروپا ابداع شد. در حقیقت، به دلیل خیل عظیم مردم بی سرپناه و کمبود زمین، خانه‌هایی متراکم و ارزان‌قیمت برای این گروه از مردم ساخته شد (اقبالی، ۱۳۸۷). در کشور ما نیز افزایش سریع جمعیت شهرها و گسترش شهرنشینی طی دهه‌های اخیر و افزایش تقاضا برای مسکن، از یک سو؛ کمبود زمین و بالا بودن قیمت آن از سوی دیگر، مردم را به سوی زندگی آپارتمانی سوق داده و می‌دهد (ابراهیم زاده و سرگزی، ۱۳۸۹: ۴). اکنون نزدیک به چهار دهه است که آپارتمان‌نشینی، با همه‌ی محاسن و معایبی که دارد، در کشور ما نیز متداول شده است. گرانی و محدودیت زمین، امنیت بیشتر در مجتمع‌های مسکونی، توان مالی شهروندان و دیگر عوامل موجب شد تا آپارتمان‌ها و مجتمع‌های مسکونی در کلان‌شهرها، با هدف توسعه‌ی مسکن ارزان قیمت و به عنوان راه حلی برای مشکل تأمین مسکن به کار گرفته شود (دانشپور و

همکاران، ۱۳۸۸:۳۱). براساس آمارهای استخراج شده از نشریه‌ی سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۳۵، از مجموع کل آمار جمعیت نزدیک به ۱۹ میلیونی کشور، ۳۲ درصد ساکن شهرها و ۶۸ درصد ساکن روستاها بوده‌اند. این در حالی است که براساس آمار مندرج در همان نشریه در سال ۱۳۸۵، این نسبت معکوس شده و به ۶۸ درصد ساکن شهرها و ۳۲ درصد ساکن روستاها برای جمعیت نزدیک به ۷۰ میلیونی کشور تغییر کرده است. این آمار از یک سو نشان‌دهنده‌ی افزایش جمعیت و از سوی دیگر حاکی از رشد سریع شهرنشینی است (مرکز آمار ایران، نتایج سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵).

از سویی، افزایش سریع جمعیت شهری که حاصل آن از هم گسیختگی پیوندهای اجتماعی خانواده‌ها و تضعیف سنت‌های فرهنگی در اغلب شهرهای بزرگ کشور بوده است، موجب بروز مشکلات فراوانی در روابط اجتماعی افرادی که در مجتمع‌های مسکونی زندگی می‌کنند گردیده است. تأمین مسکن برای جمعیت رو به رشد شهرها چاره‌ای جز توسعه روزافزون ساخت و ساز آپارتمان و گسترش آپارتمان‌نشینی باقی نمی‌گذارد. البته باید اذعان کرد که پدیده‌ی جدیدی آپارتمان‌نشینی مناسبات اجتماعی خاص خود را دارد (ابراهیم زاده و سرگزی، ۱۳۸۹:۴). این پدیده را می‌توان از مهمترین تحولات در فرایند اسکان بشر در شهرها دانست که به فرم غالب مسکن شهری در دوران معاصر تبدیل شده است (بندز، ۲۰۰۴:۱۲۰). اولین معضلی که فرد در این مناسبات خاص ممکن است با آن روبه رو شود؛ این است که افراد به جای دارا بودن فرهنگ «فاصله‌ی اجتماعی» در این سبک زندگی شهروندی، عملاً شهرنشینی هستند که از زندگی (روستایی) جدا گردیده و در عین حال، با فرهنگ جدید غریبه بوده و به اصطلاح شهرگرا نشده‌اند. بنابراین در جریان انتقال از فرهنگی به فرهنگ جدید، دچار تضاد و تناقض گشته و عملاً به حاشیه‌ی فرهنگی شهر رانده شده‌اند.

بررسی پژوهش‌های به عمل آمده بیانگر آنست که اغلب آپارتمان‌نشینان، با شرایط سکونت در آپارتمان سازگاری لازم را نیافته و اجبار در پذیرش این نوع سکونت، مغایر

با فرهنگ و نگرش جامعه‌ی سنتی و ناآشنا به قوانین و فرهنگ آپارتمان‌نشینی محیط‌های آپارتمانی را به فضایی تنش‌زا تبدیل کرده است (ابراهیم زاده و سرگزی، ۱۳۸۹: ۴)؛ خصوصاً اینکه، در ساخت واحدهای مسکونی بخصوص پروژه‌های انبوه‌سازی شده، شیوه‌ی زندگی، رفتارهای سکونتی و فرهنگ بهره‌برداران و نگرش‌های آنها در نظر گرفته نمی‌شود. به عبارت دیگر رضایت از سکونت در این واحدها، فقط به دلیل مشکلات مالی و آرزوی داشتن یک واحد مسکونی است (عربی بلاغی، ۱۳۸۲: ۳۲ و شکوهی، ۱۳۸۲: ۴۳).

از منظر صاحب‌نظران حوزه‌ی شهرسازی و معماری و همچنین جامعه‌شناسی شهری، آپارتمان‌نشینی مانند بسیاری از مظاهر شهرنشینی، پیش از آنکه از دل جامعه‌ی ما جوشیده باشد و ساز و کارهای مناسب خود را پیدا کرده باشد، از غرب مورد اقتباس قرار می‌گیرد و پیش از آنکه بر اساس ضرورت‌ها در زبان و اندیشه‌ی ما راه یافته باشد، همانند بیگانه‌ای در زندگی اجتماعی ما راه می‌یابد. به همین رو، آپارتمان‌نشینی برای ما پدیده‌ای غریب و ناآشناست. زیرا بنا به ضرورت از درون جامعه‌ی شهری ما به صورتی طبیعی به وجود نیامده و به هر حال محصولی وارداتی است و به دلیل بیگانه بودن با فرهنگ و اندیشه‌ای که با این پدیده تناسب داشته باشد، با آن برخورد نمی‌کنیم. بعلاوه، به عنوان یک فرهنگ جدید و وارداتی در مقابل فرهنگ و ارزش‌های سنتی جامعه ما قرار می‌گیرد. با اینکه در زمان‌ها و با انگیزه‌های مختلف و در الگوهای متفاوت ایجاد شده‌اند، اما به تبع شرایط اقتصادی، سیاسی، اجتماعی حاکم بر جامعه و بخش مسکن، با نگرش‌ها و سلیق ساکنین آنها متناسب نبوده و لزوماً از تمامی معیارهای ایجاد محیط مطلوب برخوردار نیستند (عزیزی و محمد نژاد، ۱۳۸۶: ۲۸) و به دلیل عدم برخورد مناسب با پدیده‌ی بلندمرتبه‌سازی و آپارتمان‌نشینی در ایران و در نظر نگرفتن علایق و نگرش‌های ساکنان آنها، همواره مشکلات و نارسایی‌هایی در نحوه‌ی استفاده از این بناها وجود داشته است (گلابچی، ۱۳۸۰: ۵۳). بعلاوه، از آنجا که آپارتمان محل تجمع افراد با فرهنگ‌های مختلف است و روابط اجتماعی در این مکان‌ها به نزدیکترین سطح خود می‌رسد، بررسی نگرش‌ها و نظرات ساکنان این محیط‌ها می‌تواند برای بهبود کیفیت این

پدیده روبه رشد مهم باشد.

اهمیت بررسی نگرش‌های افراد در دو سطح فردی و میان فردی حائز اهمیت. به نحوی که، در سطح فردی، نگرش‌ها، ادراک، تفکر و دیگر نگرش‌ها و رفتار فرد را تحت تأثیر قرار می‌دهند بنابراین نگرش‌ها تأثیر زیادی بر ساختار روانشناختی فرد دارد. زمانی که نگرش‌های فردی به افکار عمومی تبدیل می‌شوند، این نگرش‌ها جو فرهنگی، سیاسی، اجتماعی یک جامعه را تعیین می‌کنند و به طور منظم زندگی شخصی مردم را در جامعه تحت تأثیر قرار می‌دهند. در سطح میان فردی نیز، اطلاعات درباره‌ی نگرش‌ها به طور مرتب دریافت و انتقال داده می‌شود. از این رو، با شناخت نگرش افراد، دنیا مکانی بسیار قابل پیش‌بینی خواهد بود و از سویی نیز رفتار انسان‌ها ممکن است به وسیله‌ی این آگاهی شکل پیدا کند و در آن صورت می‌توان سعی در کنترل رفتار دیگران به وسیله تغییر نگرش‌های‌شان به عمل آورد (بهنر و وانک، ۱۳۸۴: ۱۵).

از سویی، هدف از مطالعه نگرش‌ها، تأثیرگذاری آنها بر رفتار است زیرا انواع نگرش‌ها به عنوان شاخص‌ها یا عوامل شناسایی پیشگویی رفتار شناخته می‌شوند. نگرش‌های قوی و شدید یا آنهایی که مورد علاقه‌ی انسانند، بیش از نگرش‌های ضعیف یا نامربوط به رفتار رابطه دارند. اجزای شناختی بهتر از عناصر عاطفی نگرش بعضی از انواع رفتار را پیشگویی می‌کنند بنابراین وقتی می‌توان به اهمیت و فواید نگرش‌ها پی برد که رابطه‌ی میان نگرش‌ها و رفتار را آشکار کرد زیرا تغییر دادن نگرش‌ها می‌تواند سرآغاز معناداری برای تعدیل رفتار، در زندگی روزمره به حساب آید (ستوده، ۱۳۸۶).

کلان شهر یزد نیز در اثر تداوم فشار بر فضای شهری و در نتیجه افزایش جمعیت و ورود الگوی مسکن غربی، ریخت‌شناسی جدیدی از مسکن که همان آپارتمان‌نشینی است را تجربه کرده است و این روند همچنان ادامه دارد. با توجه به سابقه‌ی طولانی مدت شهرنشینی در آن و همچنین رشد سریع جمعیت ناشی از رشد طبیعی و بخصوص مهاجرپذیری این شهر به دلیل مرکزیت استان، از یک محیط اجتماعی متمایز و منحصر به فرد برخوردار است که برای موضوع پژوهش حاضر در ارتباط با سنجش نگرش زنان، دارای ویژگی‌هایی است: «نخست اینکه شهر یزد در زمره‌ی یکی از توسعه‌یافته‌ترین

مناطق کشور است و از نظر بسیاری از شاخص‌های متعارف اقتصادی، اجتماعی نظیر تحصیلات، شهرنشینی و اشتغال بالاتر از متوسط کشوری قرار دارد؛ دوم اینکه جمعیت یزد نسبتاً همگون است و تنوعات قومی، مذهبی و زبانی چشمگیر در آن وجود ندارد؛ سوم اینکه شهر یزد، فرهنگ مذهبی و بسیاری از عناصر سنتی خود را تا به امروز همچنان حفظ کرده است» (عباسی شوازی و عسکری ندوشن، ۱۳۸۷) بنابراین ضروری است تا پژوهش‌های علمی متعددی در شهرهای مختلف از جمله یزد در مورد نگرش به چنین پدیده‌ای صورت گیرد تا با آگاهی از نگرش و دیدگاه‌های مردم در مورد آپارتمان‌نشینی بتوان راهکارهایی را برای کاهش مشکلات ناشی از آن ارائه کرد. در این پژوهش هدف، بررسی نگرش زنان شهر یزد نسبت به آپارتمان‌نشینی است و سؤال اصلی تحقیق این است که نگرشهای مثبت و یا منفی شهروندان زن شهر یزد نسبت به آپارتمان‌نشینی چیست؟ لازم به ذکر است که دلیل اصلی پژوهش حاضر در انتخاب زنان به عنوان جامعه‌ی آماری این است که چون زنان نسبت به مردان کمتر شاغلند و بیشتر در محیط خانه و آپارتمان هستند، بنابراین انتظار می‌رود نگرش آنها بیشتر از مردان تحت تأثیر این محیط‌ها قرار گیرد.

مروری بر سوابق تحقیق

در میان تحقیقات قبلی پیرامون موضوع مقاله حاضر، آن نوع تحقیقاتی که به طور مستقیم وارد حوزه‌ی مسایل آپارتمان‌نشینی شده باشد، بسیار نادر است. جامعه‌ی آماری این تحقیقات فقط ساکنان آپارتمان‌ها بوده و به صورت مقایسه‌ای بین آپارتمان‌نشینان و ویلایی‌نشینان انجام نگرفته‌اند. اغلب پژوهش‌ها، تحلیلی و غیر تجربی هستند یا اینکه به طور کلی به مسأله‌ی فضا و فرهنگ پرداخته‌اند. بنابراین از میان پژوهش‌های قبلی انجام شده در مورد آپارتمان‌نشینی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

هال^۵ (۲۰۰۰)، در پژوهشی با بررسی ابعاد فرهنگی آپارتمان‌نشینی (در ژاپن)، معتقد است که شیوه‌ی زندگی آپارتمان‌نشینی با شیوه‌ی سکونت معمولی متفاوت است. تراکم جمعیت از متغیرهای تأثیرگذار بر این شیوه‌ی سکونت است. آپارتمان‌نشینی باعث تراکم

5. Hall

بیش از اندازه‌ی خانوار و اعضای آن در واحد سطح و در محیط مسکونی می‌شود. به عقیده‌ی وی، این شیوه‌ی سکونت باعث تغییر در تماس‌های انسانی می‌شود. پیامد آپارتمان‌نشینی، تراکم جمعیت است و تراکم جمعیت باعث افزایش روابط انسانی می‌شود. وی، سابقه‌ی زندگی در محیط‌های با تراکم بالا را در انطباق با شیوه‌ی جدید زندگی آپارتمان‌نشینی مؤثر می‌داند. بر این اساس وی ادعا می‌کند که اگر افراد پیش از زندگی در آپارتمان‌های با تراکم بالا، مدت مدیدی را با تراکم بالای جمعیت زندگی کرده باشند و هنجارها و ارزش‌های خاص آن را تجربه کرده باشند، تحمل زندگی در چنین محیط‌هایی برای آنها آسان بوده و مشکلات فرهنگی چندانی نخواهند داشت. حال پیرامون این تجربه اظهار می‌دارد که تحمل زندگی آپارتمان‌نشینی همراه با تراکم جمعیت بالا برای ژاپنی‌ها آسانتر از آلمانی‌هاست، زیرا ژاپنی‌ها برای زمان‌های طولانی در مکان‌هایی با تراکم جمعیت زیاد به سر برده‌اند و در طی این سال‌ها، سنت‌ها و محدودیت‌های فرهنگی خاص زندگی در محیط‌های با تراکم بالا را به وجود آورده و با آنها خو گرفته‌اند.

سکیورزکا^۶ (۲۰۰۲) نیز در بررسی عوامل سازمانی مؤثر بر رضایت‌مندی ساکنان سالمند که داده‌های آن از تکنیک مصاحبه با ۱۶۵ نفر ساکنان خانه‌های سالمندان در مریلند جمع‌آوری گردید، به این نتیجه رسید که ساکنانی که رضایت‌مندی بیشتری داشتند، شادتر، مستقل‌تر، دارای مشارکت بیشتر در تصمیم‌گیری‌ها و دارای تحصیلات کمتر بودند. با کنترل ویژگی‌های فرد ساکن، سطوح بالای رضایت‌مندی با میزان تسهیلات کم، سطح متوسط امکانات فیزیکی، دسترسی بیشتر به فضای شخصی، فعالیت اجتماعی تفریحی کمتر و مالکیت غیر انتفاعی همبستگی نشان داد. وی معتقد است، به علت اینکه عوامل سازمانی ناچیزی با رضایت‌مندی فرد ساکن رابطه معناداری داشتند با این حال، سطوح بالای منابع پاسخ‌های ساده‌ای برای بهبود کیفیت زندگی فرد است. ویژگی‌های خود فرد ساکن همچون سن فرد، متغیرهای پیش‌بینی‌کننده‌ی قوی‌تری هستند تا متغیرهای سازمانی.

⁶ Sikoraska

سونگ و نانا^۷ (۲۰۱۱) نیز در مطالعه‌ای ضمن بررسی کیفیت سالم‌سازی خانه‌های آپارتمانی در کره، معتقدند که سالم بودن محیط‌های مسکونی و آپارتمانی بر رضایت افراد تأثیر دارد. به علاوه، ضمن تحلیل عوامل مؤثر بر سلامت و رضایت ساکنان آپارتمان‌نشین به این یافته دست یافت که بیش از نیمی از ساکنان از سالم بودن و بهداشتی بودن محیط آپارتمانی خود ناراضی بودند.

حضرتی صومعه (۱۳۸۳) در تحقیقی به بررسی آسیب‌های اجتماعی خانواده‌های آپارتمان‌نشین و راهکارهای آن بر روی خانواده‌های ساکن در شهرک اکباتان تهران پرداخته است. اهداف او در تحقیق عبارت بودند از: بررسی چهار شاخص اندازه‌ی جمعیت خانواده، تراکم مادی خانواده، تراکم اخلاقی و ناهمگونی خانواده با مسأله‌ی آسیب‌های اجتماعی، به دست آوردن تصویری از آسیب‌های اجتماعی خانواده‌های آپارتمان‌نشین. نتایج پژوهش او نشان داد که: بین تراکم مادی (چند خوابه بودن آپارتمان) و میزان آسیب‌های اجتماعی رابطه‌ی معکوسی وجود دارد؛ یعنی هرچه تعداد اتاق‌های خواب یک آپارتمان بیشتر باشد، یا به اندازه‌ی تعداد افراد خانواده باشد، میزان آسیب‌های اجتماعی در بین خانواده‌ها کاهش می‌یابد. همچنین بین ناهمگونی (میزان درآمد ماهانه خانواده و مذهبی بودن افراد از دید فامیل و آشنایان) و میزان آسیب‌های اجتماعی رابطه‌ی مستقیمی وجود دارد یعنی؛ هرچه درآمد ماهانه‌ی خانواده افزایش یابد، نوع و میزان آسیب‌های اجتماعی افزایش می‌یابد و هرچه افراد از خانواده‌های مذهبی‌تری باشند، موارد بیشتری را جزو آسیب‌های اجتماعی می‌دانند. یکی دیگر از نتایج مهم این تحقیق آسیب‌های اجتماعی رایج در بین خانواده‌های آپارتمان‌نشین بود که عبارت بودند از: اعتیاد، پخش مواد مخدر، روابط ناسالم بین دختر و پسر، عدم رعایت حقوق دیگران و... و راه‌حل‌های پیشنهادی برای تعدیل این آسیب‌ها، افزایش سطح آگاهی خانواده‌ها و آموزش نوع سکونت آپارتمان‌نشین به خانواده‌ها، برگزاری منظم جلسات بلوک‌ها، نظارت بیشتر خانواده‌ها روی جوانان و... است.

یافته‌های پژوهش لهسایی‌زاده و همکاران (۱۳۷۶) در بررسی پیامدهای اجتماعی و

7. Sung Heui Cho, and Na Na Kang

فرهنگی آپارتمان‌نشینی در استان فارس نیز نشان داد که سطح زیربنا، تعداد طبقات مجتمع مسکونی، وجود یا عدم وجود مدیر و نوع مدیریت مجموعه‌ی آپارتمانی، رابطه‌ی مثبتی با رضایت‌مندی از آپارتمان‌نشینی دارد.

ابراهیم زاده و سرگزی (۱۳۸۹) نیز در بررسی آپارتمان‌نشینی در شهرهای اسلامی و مشکلات فرهنگی ناشی از آن (مطالعه موردی شهر زاهدان) به این نتایج دست یافتند که آپارتمان‌نشینی به عنوان راه حل معضل کمبود و گرانی مسکن و جلوگیری از گسترش شهر به طور فزاینده‌ای افزایش یافته است. البته این نوع سکونت با توجه به تفاوت‌های اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی خانوارهای ساکن در آپارتمان و به دلیل آشنا نبودن با قوانین آپارتمان‌نشینی و... سبب بروز مشکلات و مسائلی گردیده است. مشکلاتی که از یک سو به نحوه‌ی ساخت و ساز، طراحی و مدیریت واحدهای آپارتمانی ارتباط دارد و از طرف دیگر نیز متأثر از خصوصیات اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی جمعیت ساکن در آپارتمان‌هاست. در مجموع آنها در نتایج خود مسائل و مشکلات فرهنگی و اجتماعی مجتمع‌های آپارتمانی در شهر زاهدان را به شرح زیر گزارش دادند: ۱- تنوع فرهنگی، ساکنان آپارتمان‌ها عمدتاً از مهاجران - روستاها و شهرهای کوچکتر هستند که با فرهنگ‌های متفاوت در این مجموعه‌ها ساکن می‌شوند. ۲- تضاد فرهنگی، به دلیل وجود خرده فرهنگ‌ها و آداب و رسوم متفاوت خانواده‌ها و از آنجا که در محیط‌های آپارتمانی افراد ارتباط نزدیکتر و بیشتری با هم دارند، تضادهای فرهنگی بروز بیشتری دارد. ۳- ضعف در روابط صحیح اجتماعی، از سویی تنوع و تضاد فرهنگی و از سویی دیگر تراکم جمعیتی و نداشتن روابط منسجم اجتماعی سبب شده است که روابط ضروری اجتماعی شکل سازمان یافته و منظم به خود بگیرد. ۴- فضا و زیر بنای محدود واحدهای مسکونی سبب بروز تراکم جمعیتی در مجتمع‌های مسکونی شده است. ۵- کمبود فضای فرهنگی، آموزشی و تفریحی.

همچنین، یافته‌های پژوهش محسنی تبریزی و همکاران (۱۳۹۰) در مطالعه‌ی میزان مشکلات آپارتمان‌نشینی و عوامل تأثیرگذار بر آن در کرج، نشان داد میزان مشکلات برآورده‌ی آپارتمان‌نشینی در کرج بالنسبه بالاست و مشکلات آپارتمان‌نشینی با

متغیرهای تعداد واحدهای آپارتمان، قدمت آپارتمان، نوع تملک آپارتمان، میزان تغییر ساکنان، روابط همسایگی، تراکم جمعیت، کیفیت ساخت فیزیکی، کارآمدی قوانین آپارتمان‌نشینی و میزان تردد در آپارتمان همبستگی معناداری دارد. در مقابل، متغیرهای مساحت واحدها، میزان امکانات، آگاهی به قوانین آپارتمان‌نشینی، سطح تحصیلات، تعداد اعضای خانوار، قومیت، نوع مسکن قبلی، جنس، سن، مدت آپارتمان‌نشینی، با میزان مشکلات آپارتمان‌نشینی رابطه‌ی معناداری را نشان نداد. همچنین، آن‌ها به این نتیجه رسیدند که متغیرهای تراکم جمعیت، تغییر ساکنان، میزان تردد در آپارتمان، کیفیت ساخت فیزیکی، کارآمدی قوانین آپارتمان‌نشینی و روابط همسایگی به عنوان تعیین‌کننده‌ترین عوامل تأثیرگذار بر میزان مشکلات آپارتمان‌نشینی هستند.

شماعی و جهانی (۱۳۹۰) در پژوهشی که به بررسی اثرات توسعه‌ی عمودی شهر بر هویت محله‌ای منطقه‌ی ۷ تهران می‌پرداخت نشان دادند که هویت محله‌ای در منطقه‌ی ۷ شهرداری تهران تحت تأثیر بلند مرتبه‌سازی دچار تغییر و تحولاتی شده است. نمره‌ی میانگین شاخص‌های میزان مشارکت و روحیه‌ی جمعی، حس تعلق، شناخت مرز محله و تعهدپذیری در آپارتمان‌نشینی نسبت به متعارف‌نشینی کمتر است. آن‌ها معتقدند، افت میزان چنین شاخص‌هایی به موازات آپارتمان‌نشینی، تأییدکننده‌ی تنزل هویت محله‌ای در منطقه‌ی ۷ تهران خواهد بود.

مبانی نظری

مانفرد کان^۸ معتقد است واکنش افراد در مقابل اشیا و پدیده‌ها و موضوعات مختلف، بر اساس معنای آنها صورت می‌گیرد یعنی فرد در جریان کنش و برخورد مستقیم و تجربه داشتن از شیء یا موضوع و... آن را مورد تعبیر و تفسیر قرار می‌دهد و با توجه به ارزیابی‌هایش نگرش خاصی پیدا می‌کند. مانفرد کاندر بیان فایده و اهمیت دیدگاه‌های کیفی و انفرادی انسان نظیر نگرش‌ها و رفتارهای وی برای کنش متقابل نمادین چنین بیان می‌دارد «افراد هویت خود را طی جریان تماس با دیگران کسب می‌کنند و از آنجا که رفتار و گرایش افراد درباره‌ی خویشتن حاصل چیزی است که دیگران درباره‌ی فرد می-

⁸. M.Kohen

اندیشند، گرایش‌ها و رفتارهای آشکار همان چیزی است که از دیگران بهره داشته و در جریان تماس و معاشرت کسب می‌شود» (توسلی، ۱۳۸۴: ۳۲۵).

از نظر بلومر^۹ نیز واکنش افراد انسانی در مقابل اشیاء، پدیده‌ها و موضوعات مختلف بر اساس معنای آن‌ها صورت می‌گیرد. او معتقد است که افراد انسانی همه در مقابل اشیاء و موضوعات بر اساس معنایی که آن اشیاء برای آن‌ها دارند، واکنش نشان می‌دهند. این موضوعات هر چیزی را که در جهان مورد ملاحظه و توجه قرار می‌گیرد شامل می‌شوند، اشیاء فیزیکی، سایر افراد، گروه‌های انسانی و آرمان‌هایی چون استقلال طلبی، آزادی‌خواهی و... همه در زمره‌ی شیء تلقی می‌گردند. همچنین بلومر معتقد است «جامعه‌ی انسانی، آن‌چنان که آن را می‌شناسیم نمی‌تواند بدون ذهن‌ها و خودها وجود داشته باشد.» انسان‌ها با نگرستن به خود و با گفتگو با خویش به وسیله‌ی نقش‌های فردی و جمعی که در پیوندش با دیگران به ایفای آن‌ها وادار می‌گردد، خود افکار و نگرش‌هایش را شکل می‌دهد یا از خویش موضوعاتی می‌سازد (زیتلین و دیگران، ۱۳۷۳: ۱۷۳). از این رو، فرد در جریان کنش و برخورد مستقیم و تجربه داشتن از شیء یا موضوع و... آن را مورد تعبیر و تفسیر قرار می‌دهد و با توجه به ارزیابی‌های نگرش خاصی پیدا می‌کند چرا که رفتار اجتماعی افراد، کیفی و عمقی است و نگرش‌ها نیز پدیده‌های کیفی هستند و عمیق‌ترند چون در مرحله قبل از رفتار واقع شده‌اند. حال نیز سابقه‌ی زندگی در محیط‌های با تراکم بالا را در انطباق با شیوه‌ی جدید زندگی آپارتمان‌نشینی مؤثر می‌داند. وی معتقد است اگر افراد پیش از زندگی در آپارتمان‌های با تراکم بالا، مدت مدیدی را با تراکم بالای جمعیت زندگی کرده باشند و هنجارها و ارزش‌های خاص آن را تجربه کرده باشند، تحمل زندگی در چنین محیط‌هایی برای آنها آسان بوده و مشکلات فرهنگی چندانی نخواهند داشت.

نظریه‌ی بی‌سازمانی اجتماعی: بر اساس این نظریه، نگرش‌ها و رفتارهای افراد تابع نابسامانی در سطح جامعه است، به طور مثال، هنگامی که در محیط‌های آپارتمانی قوانین و مقررات خاص و فرهنگ خاصی وجود ندارد و رعایت نمی‌شود، این نابسامانی

⁹ H. Blumer

می‌تواند بر نگرش ساکنان و مردم نسبت به این محیط‌ها تأثیر منفی بگذارد. فرض اصلی این نظریه فرض اصلی نظریه بی‌سازمانی این است که در گذشته مشکلات اجتماعی آن‌گونه که امروزه مطرح است، نبوده و جامعه در یک حالت تعادل به سر می‌برده و اعمال و کنش بر مبنای ارزش‌ها، هنجارها و وفاق همگانی صورت می‌گرفته است. امروزه با یک سلسله مراتب تغییرات اجتماعی شامل مهاجرت، صنعتی شدن و رشد سریع شهرنشینی، این وفاق همگانی و هماهنگ شکسته شده و به اجبار نگرش‌ها، کنش‌ها و شرایط جدیدی را ایجاد نموده است؛ به طوری که نگرش و کنش‌های گذشته، دیگر کارایی خود را از دست داده است. همچنین دانش جدید موجب منسوخ شدن روش‌های قدیمی و ارزش‌های جدید جایگزین ارزش‌های گذشته شده است. البته مکانیسم اجتماعی به نحوی است که این بی‌سازمانی به سازمان‌یابی مجدد و بازگشت تعادل منتهی می‌شود اما مشکل اصلی، شرایط و وضعیت‌گذار از بی‌سازمانی اجتماعی است.

به عبارتی، بی‌سازمانی اجتماعی شامل شکست در ساختار سازمان است یعنی بسیاری از عناصر، در جامعه ممکن است از زنجیره خارج شوند و تأثیر هنجارهای اجتماعی بر گروه‌ها یا افراد خاص تضعیف شوند؛ نتیجه این است که فعالیت‌های جمعی در جامعه کمتر از نظام‌های سازمان داده شده کارایی دارند. تضادهای نقش و هنجار، تحرک، روابط ضعیف اولیه، فقدان همبستگی گروهی و دیگر عناصر بی‌سازمانی اجتماعی به اشکال مختلف انحراف ظاهر می‌شود (واگو، ۱۳۷۳: ۳۱۷).

در راستای تبیین نقش پایگاه اجتماعی - اقتصادی بر نگرش، ویبلن^{۱۰} نیز تأکید خاصی بر تأثیر طبقه و پایگاه اجتماعی افراد بر طرز تفکر و بینش آنها دارد. لوئیس کوزر، نظر ویبلن را در این زمینه مورد مورد بحث قرار داده و می‌گوید «ویبلن معتقد بود که پایگاه فرد در پهنه اقتصادی و فنی بینش و عادات فکری‌اش را تعیین می‌کند. به همین سان عادات و رسوم و شیوه‌های عملکرد و اندیشیدن در چارچوب اجتماع‌هایی رشد می‌کنند که انسان‌ها در نبرد برای فرا چنگ آوردن معاش‌شان از طبیعت به درون آن‌ها کشیده می‌شوند» (کوزر، ۱۳۷۳: ۳۵۸). از نظر مانهایم نیز عوامل مختلفی نظیر گروه‌هایی که فرد

¹⁰. veblen

به آن تعلق دارد، نظام سیاسی حاکم بر جامعه، اوضاع فرهنگی، پایگاه اقتصادی اجتماعی، فرد بر اندیشه و نگرش او تأثیرگذار است که تأثیر همین عوامل باعث تنوع و کثرت و سیالیت اندیشه در جامعه می‌شود. وی معتقد بود که «هر معرفت و اندیشه‌ای کم و بیش وابسته به یک مکان است و در یک چارچوب اجتماعی و فراگرد تاریخی سیر می‌کند» (کوزر، ۱۳۷۳: ۵۵۶).

فرضیه‌های تحقیق

۱. میانگین نگرش زنان شهر یزد نسبت به آپارتمان‌نشینی بالاتر از حد متوسط است.
۲. بین متغیرهای جمعیت‌شناختی (سن، نوع مسکن، نوع سکونت، شاغل و غیر شاغل بودن، بعد خانوار) و نگرش زنان نسبت به آپارتمان‌نشینی رابطه وجود دارد.
۳. بین پایگاه اقتصادی-اجتماعی و نگرش زنان نسبت به آپارتمان‌نشینی رابطه وجود دارد.

روش تحقیق

این تحقیق از نوع پیمایشی و هدف آن، سنجش نگرش زنان شهر یزد نسبت به پدیده‌ی آپارتمان‌نشینی است. جامعه‌ی آماری این تحقیق را همه‌ی زنان متأهل شهر یزد در زمان مطالعه تشکیل می‌دهد که بر اساس برآوردهای جمعیتی سال ۱۳۸۵، ۱۳۸۲۰۰ نفر بوده‌اند و از طریق فرمول نمونه‌گیری کوکران ۳۸۴ نفر آنان به عنوان حجم نمونه، با روش نمونه‌گیری دومرحله‌ای که در مرحله اول خوشه‌ای و در مرحله‌ی دوم در داخل خوشه‌های انتخابی به روش سیستماتیک زنان انتخاب و مورد مصاحبه قرار گرفتند. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه‌ی محقق‌ساخته حاوی ۱۰ پرسش اجتماعی-جمعیت‌شناختی، و ۱۵ گویه مربوط به سنجش نگرش زنان نسبت به آپارتمان‌نشینی (در سه بعد شناختی، عاطفی، و رفتاری) است.

جدول ۱. متغیرها و شاخص‌های تحلیل به تفکیک متغیرهای مستقل و وابسته و پرسش‌ها و گویه‌های

مربوطه

متغیر	نوع متغیر	تعداد سؤالات یا گویه‌ها	سؤال یا گویه	مجموع نمرات طیف لیکرت	آلفای کرونباخ
	ویژگیهای اجتماعی-جمعیتی	۱۰	سن، وضعیت اشتغال، میزان تحصیلات، میزان درآمد ماهیانه خانواده، نوع منزل مسکونی یا واحد آپارتمانی، بعد خانوار، وضعیت سکونت، نوع مسکن	-	-
نگرش نسبت به آپارتمان نشینی	بعد شناختی	۶	منزلت اجتماعی آپارتمان‌نشینان بالاست/ آپارتمان مزایای مادی و غیرمادی زیادی نسبت به خانه ویلایی دارد./ فضای آپارتمان آرام‌بخش است./ آپارتمان فضای مناسبی برای تربیت کودکان است./ آپارتمان پدیده‌ی غربی و وارد شده به کشور ماست و با فرهنگ ایرانی-اسلامی سازگار نیست./ زندگی در آپارتمان کسل‌کننده و بی‌روح است.	۶-۳۰	۰/۷۱
	بعد عاطفی	۴	فضای آپارتمان برای من مثل قفس است/ تا چه حد زندگی در آپارتمان باعث افتخار است/ زندگی در آپارتمان باعث احساس تنهایی و پوچی می‌شود/ همیشه آرزو داشتم روزی در آپارتمان زندگی کنم.	۴-۲۰	۰/۷۳
	بعد رفتاری	۵	در شرایط مساوی زندگی در آپارتمان را به خانه ویلایی ترجیح می‌دهم/ همیشه دیگران را به زندگی در آپارتمان تشویق می‌کنم/ حاضرم جهت گسترش روند آپارتمان‌نشینی با سازمان‌های مسؤول همکاری کنم/ در صورت امکان حاضرم سرمایه‌ی خود را جهت احداث واحدهای آپارتمانی صرف کنم/ حاضرم با فرهنگ‌های متفاوت در آپارتمان زندگی کنم.	۵-۲۵	۰/۷۶

اعتبار پرسشنامه از طریق اعتبار صوری سنجیده شد؛ بدین صورت که سؤال‌های

پرسشنامه برای داوری به چندتن از استادان گروه جامعه‌شناسی دانشگاه یزد ارائه شد. همچنین، این پرسشنامه به صورت پیش‌آزمون^{۱۱} در بین سی نفر از زنان شهر یزد به صورت اتفاقی اجرا شد که پس از آن گویه‌هایی که از همبستگی درونی پایینی برخوردار بودند یا گویه‌هایی که برای مخاطبان مفهوم نبوده حذف شدند. پایایی ابزار از طریق محاسبه‌ی ضریب آلفای کرونباخ به دست آمد (ن.ک جدول ۱). پس از انجام دادن این مراحل، اطلاعات جمع‌آوری شده وارد رایانه شد و به وسیله‌ی نرم‌افزار SPSS، با توجه به سطوح سنجش متغیرها و با سطح اطمینان ۹۵ درصد، بررسی شد. در تحلیل داده‌ها، از آزمون‌های تی تک نمونه‌ای، آزمون مقایسه‌ی میانگین برای گروه‌های مستقل، و همبستگی پیرسون استفاده شد.

تعریف مفاهیم

۱. متغیر وابسته

نگرش نوعی آمادگی نسبتاً ثابت و مداوم روانی برای واکنش نسبت به اشیاء، افراد یا موضوعات خاص است. به عبارت دیگر نگرش نشان دادن واکنش مثبت یا منفی نسبت به افراد، نهادها یا حوادث است. در تعریف جامع‌تر، «نگرش عبارتست از یک روش نسبتاً ثابت در فکر، احساس و رفتار نسبت به افراد، گروه‌ها و موضوع‌های اجتماعی یا قدری وسیع‌تر، هرگونه حادثه‌ای در محیط فرد» (ترکان و کجیاف، ۱۳۸۷: ۵۰). در این تحقیق، سه شاخص برای سنجش نگرش زنان نسبت به آپارتمان‌نشینی در نظر گرفته شده است. این سه شاخص عبارتند از: بعد شناختی (با ۶ گویه)، بعد عاطفی (با ۴ گویه)، و بعد رفتاری (با ۵ گویه). هر کدام از این ابعاد بر روی یک طیف پنج درجه‌ای (کاملاً موافقم، موافقم، بینابین، مخالفم، کاملاً مخالفم) مورد ارزیابی و سنجش قرار گرفتند؛ بدین ترتیب دامنه‌ی تغییرات نگرش نسبت به آپارتمان‌نشینی از ۱۵ تا ۷۵ می‌باشد که به دو دسته نگرش بالا (مثبت) و نگرش پایین (منفی) تقسیم شد.

۲. متغیرهای مستقل

متغیرهای مستقل در این تحقیق مجموعه‌ای از ویژگی‌هاست که بر نگرش زنان نسبت

¹¹. pretest

به آپارتمان‌نشینی تأثیر می‌گذارند. این متغیرها شامل متغیرهای جمعیت‌شناختی و متغیرهای اجتماعی و اقتصادی (سن/ نوع مسکن/ نوع سکونت/ وضعیت اشتغال/ بعد خانوار/ و پایگاه اقتصادی- اجتماعی) می‌شود.

سن: تعداد روزهایی است که فرد از بدو تولد تا به امروز سپری کرده است که به صورت سال بیان می‌شود. که در پژوهش حاضر در قالب یک سؤال باز پرسیده شد.

نوع مسکن: منظور از این متغیر این بود که آیا پاسخگو در آپارتمان سکونت دارد یا خانه‌ی ویلایی. این متغیر هم به صورت یک سؤال بسته و با دو گزینه ویلایی و آپارتمان از پاسخگو پرسیده شد.

وضعیت سکونت: منظور از این متغیر این بود که آیا پاسخگو بومی استان یزد می‌باشد یا خیر. وضعیت سکونت افراد با یک سؤال بسته و به صورت دو گزینه‌ی بومی و غیر بومی از پاسخگو پرسیده شد.

وضعیت اشتغال: منظور از این متغیر این بود که آیا پاسخگو شاغل است یا غیر شاغل. شاغل به کسی گفته می‌شود که طی هفت روز گذشته مشغول کار بوده و مزد دریافت کرده است. همچنین، منظور از فرد غیر شاغل کسی است که طی هفت روز گذشته مشغول کار نشده و مزدی هم دریافت نکرده است (توسلی، ۱۳۷۹: ۷۸). در تحقیق حاضر هم وضعیت اشتغال پاسخگو در قالب یک سؤال بسته پرسیده شده است.

بعد خانوار: منظور از این متغیر تعداد افرادی بود که در زمان پرسشنامه توسط پاسخگو با او زیر یک سقف زندگی می‌کردند؛ به همین دلیل این متغیر با یک پرسش باز از پاسخگو پرسیده شد.

پایگاه اقتصادی- اجتماعی: جایی که هرکس در ساخت اقتصادی و اجتماعی اشغال می‌کند. «جایی که یک فرد خاص در یک نظامی مخصوص و در زمانی معین اشغال می‌کند، پایگاه او در برابر این نظام خوانده می‌شود». پایگاه اقتصادی اجتماعی: وضعی را که فرد در رژیم اقتصادی داراست و یا دقیق‌تر وضع او در بخش تولید را می‌رساند. پایگاه اجتماعی عبارتست از یک سازه‌ی ذهنی و ارزیابی آن با کاربرد معیارهای ارزشی- اجتماعی رایج در جامعه (بیرو، ۱۳۸۰). برای سنجش پایگاه اقتصادی- اجتماعی

در این تحقیق، تحصیلات فرد، درآمد ماهیانه‌ی خانواده، نوع منزل مسکونی و وضعیت اشتغال پرسیده شده و مجموع امتیازات پاسخگو از ابعاد فوق، پایگاه وی را مشخص می‌کند.

یافته‌های تحقیق

میانگین سنی کل پاسخگویان ۳۴ سال، آپارتمانی‌ها ۳۰ سال، ویلایی‌ها ۳۷ سال می‌باشد که این نشان دهنده‌ی جوان‌تر بودن ساکنان آپارتمانی نسبت به ویلایی‌هاست. میانگین تحصیلات برای کل پاسخگویان ۱۲ کلاس، برای آپارتمانی‌ها ۱۴ کلاس و برای ویلایی‌ها ۱۲ کلاس می‌باشد که نشان می‌دهد سطح تحصیلات آپارتمانی‌ها بالاتر از ویلایی‌هاست. میانگین درآمد کل پاسخگویان ۵۰۰ هزار تومان، آپارتمانی‌ها ۵۴۵ هزار تومان و ویلایی‌ها ۵۰۰ هزار تومان می‌باشد که باز هم نشان دهنده‌ی بالاتر بودن میزان درآمد آپارتمانی‌ها به نسبت ویلایی‌هاست. همچنین از لحاظ متغیر جمعیت‌شناسی بعد خانوار، میانگین بعد خانوار برای کل پاسخگویان ۴ نفر، برای ویلایی‌ها ۴ نفر و برای آپارتمانی‌ها ۳ نفر می‌باشد که این نشان می‌دهد آپارتمان‌نشین‌ها، خانوارهای کم جمعیت‌تری دارند. ۲۲/۴ درصد از کل پاسخگویان شاغل، ۱۶/۱ از ویلایی‌ها شاغل و ۲۸/۶ درصد از آپارتمانی‌ها شاغل بوده‌اند که نشان از تعداد بیشتر زنان شاغل آپارتمان‌نشین نسبت به زنان ویلایی‌نشین است.

۳۹/۳ درصد از آپارتمانی‌ها منزل مسکونی اجاره‌ای، ۵۹/۷ درصد منزل شخصی و فقط یک درصد منزل سازمانی داشته‌اند. ۲۰/۸ درصد از ویلایی‌ها منزل مسکونی اجاره‌ای، ۷۷/۱ درصد منزل شخصی و ۲/۱ درصد منزل سازمانی داشته‌اند. ۲۹/۹ درصد از کل پاسخگویان منزل اجاره‌ای، ۶۸/۵ درصد منزل شخصی و ۱/۶ درصد منزل سازمانی داشته‌اند. در کل همانگونه که ملاحظه می‌شود آپارتمانی‌ها بیشتر از ویلایی‌ها اجاره‌نشین بوده‌اند و ویلایی‌ها بیشتر از آپارتمانی‌ها دارای منزل شخصی بوده‌اند. ۶۸/۲ درصد از آپارتمانی‌ها بومی و ۳۱/۸ درصد غیر بومی بوده‌اند. ۸۴/۹ درصد از ویلایی‌ها بومی و ۱۵/۱ درصد غیر بومی بوده‌اند. ۷۶/۶ درصد از کل پاسخگویان بومی و ۲۳/۴ درصد غیر بومی بوده‌اند. بیشتر غیر بومی‌ها با ۳۱/۸ درصد در آپارتمان ساکن بوده‌اند و شاید

مهمترین دلیل آن را بتوان مهاجرت، شرایط کاری و شغلی و نداشتن توان مالی در خرید خانه‌ی ویلایی دانست.

جدول ۲. خروجی آزمون تی تک نمونه‌ای^{۱۲} برای بررسی میزان نگرش زنان نسبت به آپارتمان‌نشینی

متغیر	میانگین	میانگین معیار	انحراف معیار	t	df	سطح معناداری	تفاوت فاصله با اطمینان ۹۵٪	
							حد بالا	حد پایین
نگرش نسبت به آپارتمان‌نشینی	۳۷/۲۹	۴۵	۱۰/۳۷	۱۴/۵۵	۳۸۳	۰/۰۰۰	-۸/۷۵	-۶/۶۶

برای پاسخ دادن به این سؤال که «نگرش زنان یزد نسبت به آپارتمان‌نشینی چگونه است؟» از آزمون تی تک نمونه‌ای استفاده گردید. برای سنجش نگرش زنان، از ۱۵ گویه که مربوط به ابعاد نگرش می‌باشد استفاده شد. با توجه به اینکه گویه‌ها پنج گزینه‌ای بودند و از یک تا پنج ارزش‌گذاری شده بودند، حداقل امتیاز پاسخگو از مجموع گویه‌ها ۱۵ و حداکثر ۷۵ خواهد شد. لذا عدد ۴۵ به عنوان حد وسط (میانگین) دامنه مزبور انتخاب گردید و میانگین نگرش نسبت به آپارتمان‌نشینی نمونه مورد مطالعه، با عدد ۴۵ به عنوان میانگین نظری (مفروض) مقایسه شده است. اختلاف معنادار از ۴۵ به بالا یا پایین، نشان‌دهنده‌ی نگرش مثبت بالا یا پایین پاسخگویان نسبت به آپارتمان‌نشینی است. با این توضیح، خروجی آزمون t تک نمونه‌ای در جدول ۲ نشان می‌دهد، میانگین نگرش نسبت به آپارتمان‌نشینی (۳۷/۲۹ از ۹۰) بوده که با اطمینان (۹۵ درصد) و سطح خطای کوچکتر از (۰/۰۵) تفاوت آماری معناداری بین دو میانگین واقعی و معیار (حد وسط) وجود دارد. (sig=۰/۰۰۰). بنابراین، میانگین نگرش نسبت به آپارتمان‌نشینی در میان زنان در شهر یزد کمتر از حد متوسط است.

جدول ۳. مقایسه‌ی زنان آپارتمان‌نشین و ویلایی‌نشین از لحاظ نگرش نسبت به آپارتمان‌نشینی

متغیر	گروه‌ها	تعداد	میانگین	انحراف معیار	کمینه ^{۱۳}	بیشینه ^{۱۴}	T	Sig.
-------	---------	-------	---------	--------------	---------------------	----------------------	---	------

12. One Sample T-Test

13. Minimum

14. Maximum

نوع	ویلايي	۱۹۲	۳۱/۹۳	۸/۳۹	۱۶	۶۳	۱۱/۸۱	۰/۰۰۰
مسکن	آپارتمانی	۱۹۲	۴۲/۶۵	۹/۳۶	۲۲	۶۹		

نگرش زنان آپارتمانی نسبت به آپارتمان نشینی با میانگین ۴۲/۶۵ مثبت تر از نگرش زنان ویلایی نشین با میانگین ۳۱/۹۳ است. این تفاوت با توجه به سطح معناداری $\text{sig} = ۰/۰۰۰$ از لحاظ آماری معنادار است. بنابراین می توان مدعی وجود تفاوت بین زنان آپارتمان نشین و ویلایی نشین به لحاظ نوع نگرش نسبت به آپارتمان نشینی بود بنابراین فرضیه ی تحقیق مبنی بر اینکه: بین نگرش زنان آپارتمان نشین و ویلایی نشین درباره ی آپارتمان نشینی تفاوت وجود دارد، تأیید می شود.

جدول ۴. مقایسه ی زنان بومی و غیر بومی از لحاظ نگرش نسبت به آپارتمان نشینی و ویلاننشینی

متغیر	گروه ها	تعداد	میانگین	انحراف معیار	T	Sig.
آپارتمانی	بومی	۱۳۱	۴۲/۵۴	۹/۵۵	۰/۲۱۹	۰/۰۲۸
	غیر بومی	۶۱	۴۲/۸۶	۹/۰۲		
ویلایی	بومی	۱۶۳	۳۱/۷۱	۸/۱۵	۰/۸۶۴	۰/۳۸۹
	غیر بومی	۲۹	۳۳/۱۷	۹/۶۸		
کل	بومی	۲۹۸	۳۶/۵۳	۱۰/۳۱	۲/۵۸۲	۰/۰۱۰
	غیر بومی	۹۰	۳۹/۷۴	۱۰/۲۵		

بین میانگین نگرش زنان آپارتمان نشین نسبت به آپارتمان نشینی بر حسب بومی و غیر بومی بودن تفاوت معناداری وجود دارد به طوری که غیر بومی ها با میانگین ۴۲/۸۶ نگرش مثبت تری در مقایسه با بومی ها با میانگین ۴۲/۵۴ نسبت به آپارتمان نشینی دارند. میانگین نگرش زنان ویلایی نسبت به آپارتمان نشینی بر حسب بومی و غیر بومی بودن تفاوت معناداری را نشان نمی دهد؛ با این حال، بین میانگین کل پاسخگویان نسبت به آپارتمان نشینی بر حسب بومی و غیر بومی بودن تفاوت معناداری وجود دارد به طوری که غیر بومی ها با میانگین ۳۹/۷۴ نگرش مثبت تری در مقایسه با بومی ها با میانگین ۳۶/۵۳ نسبت به آپارتمان نشینی دارند؛ بنابراین فرضیه ی تحقیق مبنی بر اینکه: نگرش زنان بومی و غیر بومی نسبت به آپارتمان نشینی متفاوت است، تأیید می شود.

جدول ۵. مقایسه‌ی زنان شاغل و غیر شاغل از لحاظ نگرش نسبت به آپارتمان‌نشینی و ویلایی‌نشینی

متغیر	گروه‌ها	تعداد	میانگین	انحراف معیار	T	Sig.
آپارتمانی	شاغل	۵۵	۴۳/۱۸	۹/۱۶	۰/۴۹۷	۰/۶۲۰
	غیر شاغل	۱۳۷	۴۲/۴۳	۹/۴۷		
ویلایی	شاغل	۳۱	۳۴/۳۲	۹/۱۰	۰/۶۶۵	۰/۰۸۳
	غیر شاغل	۱۶۱	۳۱/۴۷	۸/۱۹		
کل	شاغل	۸۶	۳۹/۹۸	۱۰/۰۴	۲/۷۶	۰/۰۰۶
	غیر شاغل	۲۹۸	۳۶/۵۱	۱۰/۳۶		

بین میانگین نگرش زنان آپارتمانی بر حسب شاغل و شاغل نبودن نسبت به آپارتمان‌نشینی تفاوت معناداری مشاهده نشده است؛ اما شاغلان نگرش نسبتاً مثبت‌تری در مقایسه با غیرشاغلان داشته‌اند. بر حسب شاغل و غیر شاغل بودن بین میانگین نگرش ویلایی‌ها تفاوت معناداری مشاهده نشده است. در مجموع بین میانگین نگرش کل پاسخگویان نسبت به آپارتمان‌نشینی بر حسب شاغل و غیر و شاغل بودن تفاوت معنادار وجود دارد به نحوی که شاغلان با میانگین ۳۹/۹۸ نگرش مثبت‌تری نسبت به غیر شاغلان با میانگین ۳۶/۵۱ داشته‌اند. بنابراین فرضیه‌ی تحقیق مبنی بر اینکه: نگرش زنان شاغل و غیر شاغل نسبت به آپارتمان‌نشینی متفاوت است، تأیید می‌شود.

جدول ۶. خروجی ضریب همبستگی برای آزمون رابطه‌ی بعد خانوار با نگرش نسبت به آپارتمان

نشینی و ویلایی‌نشینی

محل زندگی	تعداد	میزان همبستگی	Sig.
آپارتمانی	۱۹۲	-۰/۰۳۰	۰/۶۸۱
ویلایی	۱۹۲	-۰/۰۶۱	۰/۴۰۲
کل	۳۸۴	-۰/۱۶۹	۰/۰۰۱

مقدار ضریب همبستگی رابطه‌ی بین بعد خانوار و نگرش زنان نسبت به آپارتمان‌نشینی در کل برابر با -۰/۱۶۹ است و به لحاظ آماری معنادار است؛ به عبارت دیگر، رابطه‌ی مشاهده شده در داده‌های نمونه‌ای صرفاً ناشی از خطای نمونه‌گیری نبوده و می‌توان با اطمینان ۹۵ درصد به این نتیجه رسید که در جامعه‌ی آماری بین بعد خانوار و نگرش زنان نسبت به آپارتمان‌نشینی رابطه‌ی معکوسی وجود دارد یعنی؛ هر چه بر تعداد افراد

خانوار اضافه شود نگرش مثبت زنان نسبت به آپارتمان‌نشینی کاهش می‌یابد؛ به این ترتیب، فرضیه‌ی صفر رد و فرضیه‌ی تحقیق با حداقل اطمینان ۹۵ درصد تأیید می‌شود. جدول ۷. خروجی آزمون ضریب همبستگی بین سن با نگرش نسبت به آپارتمان‌نشینی

و ویلایی‌نشینی

Sig.	میزان همبستگی	تعداد	محل زندگی
۰/۲۰۴	۰/۰۹۲	۱۹۲	آپارتمانی
۰/۰۰۵	-۰/۲۰۳	۱۹۲	ویلایی
۰/۰۰۰	-۰/۲۱۳	۳۸۴	کل

مقدار ضریب همبستگی بین سن و نگرش نسبت به آپارتمان‌نشینی در میان ساکنان ویلایی نیز برابر با $-۰/۲۰۳$ و معنادار است و مقدار مشاهده را نمی‌توان ناشی از خطای نمونه‌گیری قلمداد کرد؛ پس با اطمینان ۹۵ درصد نیز می‌توان گفت در جامعه‌ی آماری بین سن و نگرش زنان ویلایی‌نشین، نسبت به آپارتمان‌نشینی رابطه‌ی معکوس و معنادار وجود دارد. از سویی، مقدار ضریب همبستگی بین سن زنان آپارتمان‌نشین و نگرش آنان نسبت به آپارتمان‌نشینی برابر با $۰/۰۹۲$ است ولی معنادار نیست و این مقدار مشاهده را می‌توان ناشی از خطای نمونه‌گیری تلقی کرد و نمی‌توان با اطمینان ۹۵ درصد مقدار رابطه به دست آمده را به جامعه‌ی آماری تعمیم داد. در مجموع، مقدار ضریب همبستگی بین سن و نگرش زنان نسبت به آپارتمان‌نشینی برابر با $-۰/۲۱۳$ و به لحاظ آماری معنادار است و حاکی از رابطه‌ی معکوس و معنادار بین این دو متغیر است؛ بنابراین می‌توان به این نتیجه دست یافت که با حداقل ۹۵ درصد اطمینان در جامعه‌ی آماری بین این دو متغیر نیز ارتباط منفی وجود دارد یعنی؛ هر چه سن بالاتر رود، نگرش مثبت زنان نسبت به آپارتمان‌نشینی کم خواهد شد.

جدول ۸. خروجی ضریب همبستگی برای آزمون رابطه‌ی پایگاه اقتصادی- اجتماعی و نگرش به

آپارتمان‌نشینی و ویلایی‌نشینی

Sig.	میزان همبستگی	تعداد	محل زندگی
۰/۶۶۶	-۰/۰۳۲	۱۹۲	آپارتمانی
۰/۵۰۶	۰/۰۵۰	۱۹۲	ویلایی

مقدار ضریب همبستگی بین پایگاه اقتصادی- اجتماعی و نگرش زنان نسبت به آپارتمان‌نشینی برابر با ۰/۰۳۵ است که از لحاظ آماری معنادار نیست و این مقدار مشاهده را می‌توان ناشی از خطای نمونه‌گیری تلقی کرد و نمی‌توان با اطمینان ۹۵ درصد مقدار رابطه‌ی به دست آمده را به جامعه‌ی آماری تعمیم داد. به عبارتی هرچند در نمونه‌ی مورد مطالعه، رابطه ضعیف و مثبتی بین پایگاه اقتصادی- اجتماعی زنان و نگرش آنان نسبت به آپارتمان‌نشینی در بین زنان ویلایی‌نشین و همچنین به طور کلی وجود دارد، اما این رابطه از لحاظ آماری در سطح اطمینان حداقل ۹۵ درصد معنادار نیست و قابلیت تعمیم به جامعه‌ی آماری را ندارد.

نتیجه‌گیری

گسترش روزافزون آپارتمان‌نشینی می‌تواند پیامدهای مثبت و منفی زیادی به همراه داشته باشد. در جامعه‌ی ما چون زنان معمولاً کمتر از مردان شاغلند و بیشتر در محیط خانه و آپارتمان هستند، بنابراین تجربه‌ی زندگی در این محیط‌ها باعث شکل‌گیری نگرش خاصی نسبت به آپارتمان‌نشینی در ذهن آنها می‌گردد. از آنجا که نگرش‌ها می‌توانند روی رفتار، سلامت روانی و ذهنی افراد، روابط اجتماعی، استحکام خانواده و سایر ابعاد زندگی تأثیرگذار باشند، بنابراین با توجه به این تأثیرات بررسی نگرش نسبت به آپارتمان‌نشینی دارای اهمیت است.

یافته‌های این پژوهش نشان داد که زنان در کل با میانگین ۳۷/۲۹ نگرش پایین‌تر از حد متوسط نسبت به آپارتمان‌نشینی دارند. در این میان زنان آپارتمان‌نشین با میانگین ۴۲/۶۵ نگرش بالاتر و مثبت‌تری در مقایسه با ویلایی‌نشین‌ها با میانگین ۳۱/۹۳ داشتند. دلایل مختلفی از جمله تجربه‌ی سکونت در محیط‌های آپارتمانی، داشتن آگاهی بیشتر از فرهنگ آپارتمان‌نشینی و... را می‌توان برای مثبت‌تر بودن نگرش زنان آپارتمانی نسبت به ویلایی‌نشین‌ها ذکر کرد.

تفاوت معناداری بین نگرش زنان بومی و غیر بومی نسبت به آپارتمان‌نشینی وجود دارد؛ به نحوی که زنان غیر بومی نگرش بالاتر و مثبت‌تری در مقایسه با بومی‌ها دارند. می‌توان

گفت که از آنجا که زنان بومی بیشتر ویلایی‌نشین بوده‌اند و مشکلات مالی کمتری داشته‌اند، مجبور نبودند به آپارتمان‌نشینی روی بیاورند؛ در نتیجه تجربه‌ی زندگی در چنین محیط‌هایی را ندارند و تا حدی طبیعی است که نگرششان نسبت به آپارتمان‌نشینی منفی‌تر باشد؛ اما غیر بومی‌ها به دلایل مختلف از جمله مهاجرت از شهرهای کوچک‌تر و نداشتن توان مالی کافی در خرید خانه‌ی ویلایی، از اول ممکن است برخلاف میل باطنی خود مجبور به سکونت در آپارتمان بوده‌اند و کم‌کم با تجربه‌ی این نوع زندگی، نگرش مثبتی نسبت به آن پیدا کرده‌اند.

وجود تفاوت معنادار بین زنان (کل) شاغل و غیر شاغل از لحاظ نگرش نسبت به آپارتمان‌نشینی از نتایج دیگر این تحقیق بود و زنان شاغل نگرش مثبت‌تری نسبت به زنان غیر شاغل دارند؛ اما این تفاوت با توجه به محل سکونت یعنی آپارتمان‌نشینی و ویلایی معنادار نیست شاید در توجیه آن بتوان گفت که چون در جامعه‌ی ما زنان کمتر شاغلند و مسؤلیت اصلی تأمین معاش بر عهده‌ی مرد است پس شاغل بودن یا نبودن زنان نتوانسته به عنوان متغیر تأثیرگذار با نگرش زنان نسبت به آپارتمان‌نشینی در این تحقیق رابطه‌ی معناداری داشته باشد.

از دیگر نتایج این تحقیق این بود که بین بعد خانوار با نگرش زنان نسبت به آپارتمان‌نشینی رابطه‌ی معنادار و معکوسی وجود داشت. این یافته با نتایج تحقیق (مهدوی، ۱۳۷۳) و (لهسایی‌زاده و همکاران، ۱۳۷۶) همسویی دارد. یعنی؛ هرچه بعد خانوار افزایش یابد، رضایت و نگرش نسبت به آپارتمان‌نشینی کاهش می‌یابد. چون افزایش اعضای خانوار با زندگی در آپارتمان با فضای محدود با مشکلات بیشتری همراه است و مردم نمی‌توانند کارهای شخصی و خانوادگی خود را به راحتی انجام دهند و اختیارات آنها محدود می‌شود؛ اما با نتایج پژوهش محسنی و همکاران (۱۳۹۰) ناهمسو است، به نحوی که در پژوهش آن‌ها خانوارهایی که تعداد آن‌ها کم است میزان مشکلات را به اندازه‌ی خانوارهای دارای اعضای خانوار زیاد ارزیابی کرده‌اند.

وجود رابطه‌ی معنادار و معکوس بین سن و نگرش زنان نسبت به آپارتمان‌نشینی از نتایج دیگر این تحقیق بود. این یافته با نتیجه‌ی تحقیق سکیورزکا (۲۰۰۲) همسویی دارد یعنی؛

هر چه سن افراد افزایش یابد، نگرش آنان نسبت به آپارتمان‌نشینی پایین‌تر می‌آید. افراد مسن و سالمند معمولاً نیاز به امکانات رفاهی بیشتر، آرامش و سکوت و تنهایی بیشتری دارند و این امکانات و شرایط به طور کافی و مناسب در مجتمع‌های آپارتمانی برای آنها وجود ندارد. عدم رابطه بین پایگاه اقتصادی اجتماعی با نگرش نسبت به آپارتمان‌نشینی از نتایج دیگر این تحقیق بود.

گسترش شهر و شهرنشینی هر روز سرعت بیشتری می‌یابد و فرایند شهرنشینی مدرن الگوی متفاوتی را پیش روی انسان قرار می‌دهد. این فرآیندها تنها محدود به بعد کمی افزایش جمعیت خانه‌ها و سکونت‌گاه‌ها نیست، بلکه مهمتر «روابط اجتماعی» با یکدیگر را متأثر ساخته است. رشد سبک جدید زندگی با عنوان «آپارتمان‌نشینی» که از پیامدهای همین اتفاقات به وجود آمده است، از دیدگاه‌های مختلفی قابل بررسی است. در واقع با ورود جامعه به دوران جدید دیگر فرهنگ و رفتارهای اجتماعی مردم آنگونه که در دوران کودکی مشاهده کرده‌ایم، منسجم و یکپارچه نیست. جامعه و طبیعتاً آپارتمان‌های امروزی به یک «دیگ درهم جوش» یا موجودیت‌های «چهل تکه»، یا «سوپر مارکت‌های بزرگ اجتماعی» تبدیل شده‌اند که از هر چیز و هر جایی در آن تکه‌ای هست. در این میان نکته‌ی مهم این است که از یک سو طراحان و معماران باید در ساخت و سازهای این واحدهای آپارتمانی دقت بیشتر کرده و خواست‌ها و سلیقه مردم را در نظر گرفته و به نگرش‌های آنها توجه کنند و از سوی دیگر سازمان‌های مسئول مثل مسکن و شهرسازی و شهرداری و بخصوص رسانه‌ها در فرهنگ‌سازی و بالا بردن آگاهی و اطلاع مردم درباره‌ی زندگی آپارتمانی برنامه‌های بیشتر و بهتری را به کار بگیرند.

پیشنهادها

برخورد علمی و محققانه با مشکلات و ریشه‌یابی عالمانه و منطقی مسائل اجتماعی و شهرنشینی ایران، مستلزم انجام پژوهش‌هایی نظام‌مند و هدفمند درباره‌ی پدیده‌ی روبه رشد آپارتمان‌نشینی است؛ به همین منظور برای محققانی که قصد دارند در این زمینه پژوهش‌هایی را انجام بدهند، پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:

با توجه به گسترش روزافزون آپارتمان‌نشینی در کشور ما و نگرش پایین‌تر از حد متوسط

زنان نسبت به آن در این مطالعه، جا دارد که نقش آپارتمان‌سازی و آپارتمان‌نشینی در حل مشکل مسکن به عنوان یک موضوع مستقل مورد بررسی قرار بگیرد. همچنین، از آنجا که این مطالعه به لحاظ زمانی مقطعی و فقط در یک مکان و بین زنان انجام گرفته، پیشنهاد می‌شود مطالعات تطبیقی بیشتری بین شهرهای مختلف، اقشار متفاوت جامعه و در زمانهای متفاوت انجام شود. بعلاوه، از آنجا که آپارتمان‌نشینی محل تراکم جمعیت است و روابط انسان‌ها در این محیط‌ها نزدیک می‌شود، پیشنهاد می‌شود تأثیر آپارتمان‌نشینی بر روابط اجتماعی و آسیب‌ها و مشکلات ناشی از آن مورد پژوهش قرار بگیرد.

هرچه سن زنان بالا برود نگرششان نسبت به آپارتمان‌نشینی پایین‌تر آمده و منفی می‌شود؛ با توجه به این یافته‌ی تحقیق و اینکه افراد مسن توان جسمی کمتری دارند و نمی‌توانند از طبقات آپارتمان بالا و پایین بروند، بنابراین توصیه می‌شود که امکانات رفاهی بیشتری برای رفت و آمد افراد مسن در طراحی و ساخت آپارتمان‌ها در نظر گرفته شود.

یکی از نتایج تحقیق این بود که هرچه بعد خانوار بیشتر باشد نگرش مثبت نسبت به آپارتمان‌نشینی پایین‌تر است؛ چون خانواده‌های با جمعیت بیشتر نیاز به فضا و زیربنای بیشتری دارند پس توصیه می‌شود که در ساخت واحدهای آپارتمانی فضا و زیربنای بیشتری برای خانواده‌های با جمعیت بالا در نظر گرفته شود.

با توجه به اینکه نگرش زنان نسبت به آپارتمان‌نشینی در حد مطلوب نیست، به سازمان‌های مسئول، طراحان و معماران پیشنهاد می‌شود در طراحی و ساخت و ساز این واحدها به سلیق و نگرشهای اقشار مختلف بخصوص زنان توجه بیشتری کنند تا نگرش نسبت به این پدیده رو به گسترش در کشور ما بهتر شده مشکلات آپارتمان‌نشینی کاهش یابد.

منابع

- ابراهیم زاده، عیسی و سرگزی، زینب. (۱۳۸۹). آپارتمان‌نشینی در شهرهای اسلامی و مشکلات فرهنگی ناشی از آن مطالعه‌ی موردی: شهر زاهدان، پایان‌نامه‌ی کارشناسی‌ارشد، رشته جغرافیا، دانشگاه سیستان و بلوچستان، دانشکده‌ی علوم انسانی.
- اقبالی، هدی. (۱۳۸۷). «تاریخچه‌ی بلند مرتبه‌سازی در ایران»، نشریه‌ی مسکن، شماره‌ی ۲۳.
- بهنر، جرد و وانک، میکائیل. (۱۳۸۴). نگرش‌ها و تغییر آنها، ترجمه: علی بهداد، تهران: انتشارات جنگل.
- بیرو، آن. (۱۳۸۰). فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه‌ی باقر ساروخانی، چاپ چهارم، تهران: کیهان.
- توسلی، غلامعباس. (۱۳۸۴). نظریه‌های جامعه‌شناسی، تهران، سمت.
- ----- (۱۳۷۹). جامعه‌شناسی کار و شغل، تهران: سمت.
- حضرتی صومعه، زهرا. (۱۳۸۳). آسیب‌های اجتماعی خانواده‌های آپارتمان‌نشین و راهکارهای آن، کنگره‌ی سراسری آسیب‌شناسی خانواده در ایران، دانشگاه شهید بهشتی، پژوهشکده‌ی خانواده.
- دانشپور، سید عبدالهادی، مجتبی مهدوی‌نیا، غیائی، محمد مهدی. (۱۳۸۸) «جایگاه دانش روان‌شناسی محیطی در ساختمان‌های بلند مرتبه با رویکرد معماری پایدار»، نشریه‌ی هویت شهر، سال سوم، شماره‌ی ۵.
- زیتلین، ایرونیگ ام و دیگران. (۱۳۷۳). آینده بنیانگذاران جامعه‌شناسی، ترجمه‌ی غلامعباس توسلی، تهران: قومس.
- ستوده، هدایت الله. (۱۳۸۶). روانشناسی اجتماعی، چاپ دهم، تهران: آوای نور.
- شکوهی، علی. (۱۳۸۲). جمعیت و توسعه، مجموعه‌ی مقالات مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، تهران.
- شماعتی، علی و رحمان جهانی. (۱۳۹۰). «بررسی اثرات توسعه عمودی شهر بر هویت محله‌ای (مطالعه‌ی موردی، منطقه‌ی ۷ تهران)» فصلنامه‌ی شهر ایرانی اسلامی، شماره‌ی ۶، صص: ۷۳-۸۲.

- عباسی شوازی، محمدجلال و عباس عسکری ندوشن. (۱۳۸۷). «آرمان‌گرایی در توسعه و نگرش‌های مرتبط با خانواده در ایران: مطالعه‌ی موردی در شهر یزد»، **نامه‌ی علوم اجتماعی**، شماره‌ی ۳۴، صص ۷۲-۴۹.
- عربی بلاغی، نادر. (۱۳۸۲). «الزامات بلند مرتبه‌سازی به عنوان شکلی از انبوه‌سازی مسکن»، **فصلنامه‌ی انبوه‌سازان مسکن**، سال سوم، شماره‌ی ۹ و ۱۰، صفحات ۴۸-۳۲.
- عزیزی، محمد مهدی و ملک محمد نژاد، صارم. (۱۳۸۶). «بررسی تطبیقی دو الگوی مجتمع‌های مسکونی (متعارف و بلندمرتبه) مطالعه‌ی موردی: مجتمع‌های مسکونی نور(سنول) و اسکان تهران»، **نشریه‌ی هنرهای زیبا**، شماره‌ی ۳۲.
- کجباف، محمد باقر و ترکان، هاجر. (۱۳۸۷). «نگرش چیست؟»، **فصلنامه‌ی توسعه علوم رفتاری**، شماره‌ی اول، صفحات ۵۴-۴۹.
- کوزر، لوئیس. (۱۳۷۳). **زندگی و اندیشه‌ی بزرگان جامعه‌شناسی**، ترجمه‌ی محسن ثلاثی، چاپ پنجم، تهران: علمی.
- گلابچی، محمود. (۱۳۸۰). «معیارهایی برای طراحی و ساخت بناهای بلند»، **مجله‌ی هنر-های زیبا**، شماره‌ی ۹، تابستان ۱۳۸۰، صفحات ۲۸-۱۲.
- لهسایی‌زاده، عبدالعلی. (۱۳۷۶). آسیب‌های اجتماعی ناشی از گسترش بی‌رویه‌ی ساختمان‌سازی بلند در شیراز، مجموعه‌ی مقالات همایش مسکن شهری در استان فارس، مسائل، مشکلات و راهکارها. سازمان مسکن و شهرسازی استان فارس، ۲۰ خرداد ۱۳۷۶ شیراز.
- محسنی تبریزی، علیرضا؛ یاهک، سجاد؛ قهرمانی، سهراب، باصری، علی. (۱۳۹۰). «مطالعه‌ی میزان مشکلات آپارتمان‌نشینی و عوامل تأثیرگذار بر آن در کرج»، **مجله‌ی تحلیل اجتماعی**، شماره‌ی ۴، صص: ۲۰۹-۱۸۱.
- مرکز آمار ایران. (۱۳۸۵). نتایج سرشماری نفوس و مسکن، تهران: مرکز آمار ایران.
- مهدوی، سید قوام الدین. (۱۳۷۳). آپارتمان‌نشینی و انطباق فرهنگی، پژوهشی پیرامون جنبه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و ساختارهای زیست محیطی کیان‌شهر، شهرک جمهوری اسلامی، **پایان‌نامه‌ی کارشناسی‌ارشد**، رشته‌ی مردم‌شناسی، دانشگاه تهران، دانشکده‌ی علوم اجتماعی.
- واگو، استفان. (۱۳۷۳). **درآمدی بر تئوری‌ها و مدل‌های تغییرات اجتماعی**، ترجمه‌ی

غروی زاد، تهران علم.

- Bandes, Michel. (2004). Urban social theory: city, self and society. New York: Oxford press.
- Hall,E. (2000). The hidden dimension, New York: Double day.
- Heui Cho,Sung. And Kang, Na Na(2011). A study on the evaluation of healthy housing quality of apartments, Pusan National University, Busan, Korea.
- Sikorska, E (2002). Organizational determinants of resident satisfaction with assisted living, ph. D. Dissertation. University of Maryland Baltimore County.